

ستاره سرخ

ستاره سرخ - شماره ۲۶ - سال سوم

مقدمه : طبقه‌ی کارگر ایران در تاریخ ۲۰ ساله، مبارزات خود راه پر فراز و نشیب و پر پیچ و خمی را طی کرده است. حرکت موج وار پرولتاریای ایران را در مرا مختلف ۲۰ سال گذشته، با رشد یا سرکوب جنبش‌کومنیستی، و با مبارزه‌ی مداوم علیه اپورتونیزم و خطوط انحرافی در درون آن همراه می‌بینیم.

جنبش کارگری ایران با تاسیس اولین کارگاهها و کارخانه های کوچک، و نیز مهاجرت تعدادی از کارگران به قفقاز و تحت تاثیر رشد سوسیال-دموکراسی در ایران شکل گرفت و با ایجاد حزب کومنیست و تحت رهبری آن رشد اتحادیه های کارگری توسعه یافت، تا جایی که در سال ۱۳۲۲ اتحادیه‌ی کارگری ایران به عضویت بین الملل اتحادیه های کارگری درآمد.

در نتیجه شکست جنبشهای انقلابی بعد از انقلاب مشروطیت، روی کار آمدن دیکتاتوری ۲۰ ساله رضاشاه خان و متلاشی شدن حزب کومنیست و در نتیجه از دست دادن رهبری جنبش کارگری بخصوص در سالهای ۱۳۱۰-۱۳۲۰، جنبش کارگران ایران موفق نگردید به رشد سریع خود ادامه دهد و یک دوران رکود نسبی پشت سر گذاشت.

از سال ۱۳۲۰ با سرنگون شدن دیکتاتوری رضا خان و سپس پیروزیهای عظیم نیروهای دمکراتیک و ضد فاشیسم به رهبری حزب بلشویک اتحاد شوروی و در راس آن استیلا شرافت مناسی برای رشد دوباره جنبش کارگری ایران بوجود آمد. تشکلها و اتحادیه های وسیع کارگری در همه یوز و وجود که انبساط و جستجو در انحصاری کارگران را رهبری کردند و همراه خواستهای اقتصادی به مبارزات وسیع دمکراتیک و ضد امپریالیستی پرداختند: مبارزات پیروزمند طبقه‌ی کارگر در به دست آوردن حقوق صنی و دمکراتیک مانند قانون حد اقل دستمزدها، رسمیت رساندن اتحادیه ها، قوانین کار و پشتیبانی آن از جنبشهای دمکراتیک آذربایجان و کردستان و... و نقش مهم طبقه‌ی کارگر ایران در جنبش ملی شدن صنایع نفت و... نمونه هایی از این جنبش وسیع هستند.

در این مبارزات پرولتاریای ایران قدرت و توانایی خود را در امر رهبری جنبش اقشار مختلف و در تشکل پذیری بطور بارزی نشان داد. با وجود این اوضاع مناسب و آمادگی طبقه‌ی کارگر حزب توده به علت ماهیت رفرمیستی و اپورتونیستی خود نتوانست مبارزات کارگری و توده ای را به درستی رهبری کند و مارکسیسم انقلابی را به میان طبقه‌ی کارگر ببرد. حزب توده به علت عدم درک مرحله‌ی انقلاب ایران، خصلت و راه آن، نتوانست امر مبارزه سلحشانه، جبهه‌ی واحد در خدمت آن و نیروی عده‌ی انقلاب دمکراتیک نوین یعنی دهقانان را به درستی ارزیابی کند و میان طبقه‌ی کارگر و دهقانان پیوند ایجاد کند. رهبری حزب توده به جنبش عظیمی که کارگران ایران در پیشاپیش سایر طبقات مردم بر پا داشته بودند خیار کرد و سرانجام جنبش کارگری ایران را با تمام قدرتمندی خود در ۲۸ مرداد به شکست و تلافی کشاند.

مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر ایران بعد از کودتا : بیست سال از کودتای امپریالیستی و ضد انقلابی ۲۸ مرداد می‌گذرد. در این مدت طبقه‌ی کارگر ایران از نظر کمی رشد قابل ملاحظه ای نموده و با تکیه بر تجربیات گذشته علی‌رغم نداشتن ستاد رهبری کننده‌ی خود حزب کومنیست و تحت شدیدترین ترور فاشیستی، جنبش اعتصابی و اعتراضی خود را بطور موج وار به پیش رانده است. مبارزات این دوره را به دو مرحله می‌توان تقسیم نمود:

۱- از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۴۲:



همدوش کارگران به پیش

پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ در نتیجه‌ی خیانت رهبری حزب توده ایران مبارزات کارگری مانند مبارزه‌ی سایر اقشار مردم مورد یورش و حشایشه ای قرار گرفت و گیشه تشکیلات آن متلاشی گردید. ولی در این دوران سیاه نیز طبقه‌ی کارگر بطور برانگیزه به مقاومت و مبارزه‌ی خود ادامه داد و فقط دو سال پس از کودتا، بلافاصله بعد از انعقاد قرار داد اسارت بارکسریو، کارگران قهرمان آبادان اعتصاب نموده و در افزایش دستمزدها موفقیت می‌رسند. مبارزات کارگران نفت با سلسله اعتصابهای کارگران مسجد سلیمان و آغاچاری (سال ۳۶) ادامه می‌یابد که طی آن کارگران خواهان افزایش دستمزدها و رسمیت شناختن حق اعتصاب می‌شوند. بنا به درخواست کسرسیم مقامات سرسپرده شرکت نفت اعتصابات را غیر قانونی اعلام نموده و رهبران آن را دستگیر و روانه زندان می‌کند. این اعتصابات با وجود طرح برخی خواستهای مهم از قبیل رسمیت شناساندن حق اعتصاب و به دست آوردن موفقیت در رفع افزایش دستمزدها، تنها در بخشی از مناطق نفتی جنوب محدود می‌ماند. از سال ۳۷ به بعد یک سلسله اعتصابات در نقاط مختلف کشور آغاز می‌شود که پایه‌ی تحرك دوباره‌ای در مبارزات اقشار مختلف مردم می‌گردد. رشد نا رضایتی عمومی در توده های مردم بخصوص خرد بورژوازی شهری دامنه‌ی مبارزه‌ی عمومی مردم را روز به روز توسعه می‌بخشد و بالاخره تبلور آن در قیام توده‌ای ۱۵ خرداد ۴۲ که در آن توده های زحمتکش شهر و ده نقتو، سهمی بعهده داشتند، مشاهده می‌گردد.

مهمترین اعتصابات کارگری این دوره به ترتیب زیر است:

- اعتصاب مکرر کارگران کارخانجات نساجی اصفهان: مانند کارخانه‌ی "ریسایف"، "وطن"، "پشمیاف"، "سپهر"، "سپهرضا"، "نختاب"، "نور"، "ختر بافی"، "زاینده رود"، که منطقه‌ی صنعتی اصفهان را به یکی از مراکز پر جوش مبارزات کارگری تبدیل می‌کند.

- مبارزات کارگران مناطق نفتی نیز تداوم خود را حفظ می‌کند و کارگران آبادان، مسجد سلیمان و آغاچاری چند

در دوران کونی تکامل جامعه، تاریخ مسئولیت شناختن دست جهان و تغییر آن را بر عهده پرولتاریا و حزب آن نهاده است. این پروسه، پروسه پراتیک تغییر جهان که بوسیله شناخت علی تعیین شده است، اکنون در چین و در سراسر جهان به لحظه ای تاریخی رسیده است. لحظه بسیار مهمی که تاریخ تا کون بخون ندیده است، بدین معنی که تاریکی بطور کلی از جهان و چین رخت خواهد بست و این جهان بسته جهانی تابناک که هیچگاه تا کون نظیرش نبوده است، مبدل خواهد شد.

مائوتسه دون - ژوئیه ۱۹۳۷

فروردین ماه ۱۳۵۲ - برابر آوریل ۱۹۷۳

واحد بودند. ابتدا از مناطق نفتی شروع شدند و در سالهای بعد به اصفهان و تهران و سپس به سایر نقاط کشور گسترش پیدا کردند. نقطه ای اوج این مبارزات در سالهای ۴۱-۴۲، سالهای نخست وزیری امینی بود. در این اعتصابات بطور عمده خواستهای اقتصادی و روز مری کارگران مطرح می‌شدند: خواست اضافه دستمزدها، پرداخت به موقع دستمزدها، افزایش حد اقل دستمزدها، پرداخت مستمري به کارگران با عا ثلهی زیاد، مبارزه علیه بیکاری و خواست برگرداندن کارگران اخراجی به محل کار، پرداخت مستمري دوران بیکاری، بدست آوردن امکانات بهتر بهداشتی و امنیتی، تحصیل فرزندان، مسکن، لباس کار و شرایط بهتر کار از جمله این خواستها هستند. در پاره ای از این مبارزات خواست تشکل و به رسمیت شناساندن حقوق قانونی کارگران نیز دیده می‌شود:

- تامین مرخصی با پرداخت دستمزدها، تقلیل ساعات کار، اجرای قوانین کار و بیمه های اجتماعی، یک روز استراحت در هفته با دستمزدها، به رسمیت شناساندن حق اعتصاب، مشمول شدن کارگران کشاوری به قوانین کار، مبارزه برای حق داشتن سندیکا، تشکیل شرکت تعاونی و انجام اعتصابات همبستگی با کارگران اخراجی یا سایر اقشار و طبقات مردم مانند دانشجویان دستگیر شده را در این زمینه می‌توان نام برد.

ولی این خواستها و مبارزاتی که با خرات آن انجام می‌گرفت با وجود وسعت خود، به علت عدم وجود رهبری سیاسی راستی که بتواند جنبش کارگران را با جنبش دهقانان پیوند دهد و آن را به جنبش مسلحانه تبدیل نماید اغلب به سرعت از جانب نیروهای پلیس سرکوب گردید. پیروزیهای کارگران در این دوره بطور عمده در حد کارخانه های جدا گانه‌ی محل اعتصاب محدود مانده و توسعه پیدا نکرد.

۲- مبارزات طبقه‌ی کارگر ایران از ۴۲ به بعد: در این دوره رژیم ضد کارگری برای مقابله با گسترش روز افزون مبارزات توده های زحمتکش در راس آن طبقه کارگر ایران، به همراه سیاست سنتی ترور و سرکوب، به حربه های گوناگون دیگری دست می‌زند. "انقلاب سفید" و در جارجوب آن دست زدن به تبلیغات وسیع و گوسن خراش در زمینه بیپود وضع زندگی زحمتکش و "سپیم کردن" کارگران در سود و سرمایه‌ی کارخانجات از جمله اقدامات رژیم را تشکیل می‌دهد. برنامه های مشخص رژیم جهت فریب کارگران و ممانعت از رشد مبارزه‌ی آنان به ترتیب زیر است:

۱- ایجاد اتحادیه های زرد، کمادرن، علنی عمال و جاسوسان سازمان امنیت جهت کنترل کارگران، کوشش در ایجاد نفاق میان کارگران شهرهای مختلف، میان کارگران دارای منشاء شهری و روستائی، با سابقه و جدت، قبیله و غیر قبیله، دائم و فصلی، کوشش در تشدید رقابت میان توده های عظیم بیکاران و کارگرانی که کار موقت یا دائم دارند، اخراج کارگران با سابقه و استخدام کارگران جدید برای پرداخت حد اقل دستمزدها، استخدام محدود (کمتر از ۳ ماه) کارگران بمنظور عدم پرداخت مزایا و حق بیمه، گرفتن سفته از کارگران به هنگام استخدام که از آن برای اخراج کارگران به محض بروز کوچکترین اعتراض استفاده می‌کنند، تبلیغ خرافات، پرداخت اخست مبلغی ناچیز و دادن امتیازاتی به عده ای از کارگران و از این طریق کوشش برای درهم شکستن اعتصابات، پرداخت "پاداش" برای تشدید استشار و... در ابتدای شروع این دوران (سالهای ۴۲ تا ۴۸) بقیه در صفحه دوم

پرولتاریای جهان، خلقها و ملل ستم دیده متحد شوند!

برنامه پنجم (۱)

(منابع مالی)

برنامه پنجساله ای که رژیم تحت عنوان "عمران و آبادی" طرح ریخته و از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۷ طول می کشد برخلاف ادعاها و وعده های او نه در وضع اسفناک زحمتکشان ایران بهبودی بوجود می آورد و نه رشد اقتصادی سالم و ملی ایران را سبب می گردد، بمنظور نشان دادن اثرات ناگوار این برنامه در زندگی زحمتکشان ایران، ما در سلسله مقالاتی به بررسی بخشهایی از آن می پردازیم .

سرمایه ثابتی که دولت برای اجرای این برنامه تخمین می زند در حدود ۲۴۶۰ میلیارد ریال خواهد بود که از این مبلغ ۱۵۴۸ میلیارد ریال از جانب دولت بکار می رود و ۹۱۲ میلیارد ریگر مربوط به بخش خصوصی است . هدف اصلی سرمایه گذاری بخش "عمومی" یعنی آنچه که از جانب دولت و موسسات انتفاعی وابسته به آن انجام می گیرد وظیفه ای جز توسعه نفوذ و قدرت سرمایه داری بوروکرات ندارد و از آنجائی که دولت بنا بر این طبقه های خود حافظ و حامی منافع طبقات حاکم بوده و منافع این طبقات در ایران با منافع امپریالیسم عجین شده است تقویت قدرت و نفوذ سرمایه داری بوروکرات خدمتی به امپریالیسم و طبقات حاکم می باشد .

نگاهی به منابع تامین بودجه سرمایه گذاری بخش عمومی "برنامه پنجم نشانی از چگونگی این خدنگ آری است" ۱- نفت - بنا بر پیش بینی دولت تولید نفتی در طول این برنامه از ۳/۵ میلیون بشکه در روز (سال ۱۳۵۱) به ۸/۳ میلیون بشکه در روز (سال ۱۳۵۶) می رسد و بخش اعظم در آمد حاصله از نفت قسمت مهمی از بودجه بخش "عمومی" برنامه پنجم را تامین می کند . افزایش تولید نفت با توجه به احتیاج روزافزون امپریالیستها به مواد سوختی وظیفه ای است که رژیم در خدمت به آنها از مدت ها قبل به عهده گرفته و همچنان ادامه می دهد ۲- مالیاتها - افزایش مالیاتها یکی از روشهای متداول رژیم است . پیش بینی دولت در مورد رشد متوسط سالانه ۱۵ درصد درآمد از بابت مالیاتهای غیر مستقیم در پنج سال آینده چیزی جز معنای چپاول بیشتر مردم و بویژه زحمتکشان بمنظور جبران بخشی از کمبود مالی دولت نیست . افزایش درآمد دولت از بابت مالیاتهای مستقیم نیز با رشد متوسط ۲۱ درصد در طول برنامه پنجم تأثیرات منفی خود را بر زندگی مردم - بدان علت که بالاترین قیمت ها در نتیجه افزایش هزینه زندگی را سبب می شود - به جا خواهد گذاشت .

۳- وامهای خارجی - افزایش وام خارجی نغمه ای یکواخت نموی است که رژیم از سالیان پیش ساز کرده است . رژیم با دریافت روزافزون وامهای خارجی ، از یکسو بیش از پیش به شدت دخالت وام دهندگان در تعیین رشته های سرمایه گذاری مورد نظر آنها میدان داده و از سگوا دیگر خوش خدمتی خود را در تامین درآمد ثابت برای وام دهندگان از طریق بهره وام به نحو احسن انجام می دهد . باز پرداخت بهره وام خارجی از جانب دولت و بخش خصوصی سرمایه گذاری مطابق با ادعای دولت در حدود ۸۴ میلیارد ریال است (تهران اکونومیست ۳۰ ریه ۱۳۵۱ صفحه ۶۱) . واقعیت امر این است که سرمایه داران خارجی از بابت بهره وام از ایران می بایستی به مراتب بیشتر از آنچه باشد که رژیم می گوید . حتی از تضاد های موجود در آمار دولتی نیز می توان به این امر پی برد . تهران اکونومیست در همان شماره و همان صفحه ، مقدار باز پرداخت بهره وام خارجی را تنها از جانب دولت در طول پنج سال آینده به مقدار ۲/۳ میلیارد ریال ذکر می کند . بنا بر این مبلغ ۸۴ میلیارد ریال بهیچوجه نمی تواند صحت داشته باشد . آنچه که مسلم است خروج ارز از بابت بهره وام خارجی روز به روز افزایش می یابد . حتی اگر رقم ۲/۳ میلیارد ریال ادعائی دولت را در مورد باز پرداخت بهره وام

توده های وسیع نه تنها این مبارزات "کهنه" شده اند بلکه بسیار نوحه می باشند - وظیفه کمونیستها است با درک این واقعیت به میان آنها روند و هم در پیش آنها قدم به قدم توده ها را به تئوری انقلابی ، به تجارب غنی و گرانمایه جنبش کارگری مسلح سازند و گرنه کمونیستها به افرادی جدا از توده ها و یاقوه سرا تبدیل خواهند شد .

اعتصابات "کم کاری" حاضر شدن در محل کار و لسی خود داری از شروع کار ، اعتصاب غلظی در یک بخش یا تمام کارخانه ، تا مارش اعتراضی خارج از کارخانه تغییر می کند . - اغلب مبارزات در مواردی بعلت عدم وجود رهبری و در موارد دیگر به دلیل امکان سرکوب فوری از جانب پلیس و خرابکاری سازمان امنیت ، بصورت ناگهانی و بدون تدارک قبلی انجام می گیرد .

- باز هم در این دوران جنبش کارگران فاقد یک رهبری سیاسی راستین است ، هسته ها ، گروهها و سازمانهای انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی ، هنوز قادر نشده اند با این جنبش ، با شرکت در مبارزات روزمره آن پیوند نمایند و آن را قدم به قدم در سمت روستا بجائی که نیروی عمده انقلاب و متحد مورد اعتماد طبقه کارگر است رهبری کنند . در نتیجه جنبش کارگران در شهر زیر نبرات فاشیستی رژیم سرکوب می شود و محدود می ماند . جنبش نوین کمونیستی ایران که در دهه اخیر با انتقاد و طرد فرمیسم و رویزیونیسم حزب توده و انتقاد از راه به اصطلاح کوبای مسلحانه روشنفکران جدا از کارگران و دهقانان ، رشد و پاره یافت و امروزه که بصورت هسته ها ، گروهها و سازمانها مارکسیستی - لنینیستی موجودند ، وظیفه بن سنگین و بفرنجی در قبال جنبش کارگری به عهده دارند : مبارزه برای پیوند با توده های کارگران و دهقانان و ایجاد حزب کمونیست .

برای انجام موفقیت آمیز این وظایف هسته ها ، گروهها و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی باید تجارب غنی ۷۰ ساله جنبش کمونیستی و کارگری ایران را با حرکت از شرایط واقعی جنبشهای عمده کارگران و دهقانان ، با حرکت از سطح آگاهی سیاسی آنها در اوضاع کمونیستی قدم به قدم به میان توده ها برند و بدین ترتیب مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون را باز هم بیشتر با جنبشهای توده ای تلفیق دهند .

تجارب اساسی جنبش کمونیستی و کارگری ایران که امروز اولین و اساسی ترین تجربه مبارزات کارگری در میهن ما این است که برای انقلاب کردن ، احتیاج به یک حزب واقعا انقلابی که در عصر ما باید خود را مسلح به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون کند ، می باشد . شکست جنبش کارگری در میهن ما در درجه اول بدان علت بود که حزب توده ایران یک حزب انقلابی - مارکسیستی - لنینیستی نبود ، تئوری انقلابی رابیه میان توده ها نبرد و آنها را برای کسب قدرت سیاسی رهبری نکرد ، بلکه حزبی فرمیست و اصلاح طلب بود .

دومین تجربه جنبش کارگری میهن ما این است که طبقه کارگر ایران به تنهایی قادر به انجام انقلاب نیست ، با نیروی عظیم دهقانان متحد شود و از این طریق اساسی جبهه واحد وسیعی را بوجود آورد تا انقلاب در مکزیک نوین را به پیروزی نهای رهبری کند و شرایط را برای گذار به انقلاب سوسیالیستی فراهم آورد . سومین تجربه جنبش کارگری میهن ما این است که ارتجاع بر روی خلق شمشیر می کشد ، دیکتاتوری می کشد و برای جلوگیری از رشد جنبش کارگری هرگونه تشکیلات رزمنده سیاسی طبقه کارگر را درهم می شکند . بصیرت دیگر ضد انقلاب در میهن ما کاملا مسلح است و با نیروی قهر ارتجاعی جنبش کارگری را در اثنا سرکوب می کند . در نتیجه در برابر پرولتاریا بخاطر رشد بعدی جنبش ، بخاطر اینکه نابود نشود ، بلکه نیرو جمع نماید ، قدرتمند گردد ، باید مذاق به مثل کند ، با قهر انقلابی قهر ارتجاعی را پاسخ گوید .

اما آیا توده های وسیع کارگران و دهقانان به ایسین تجارب تاریخی جنبش کارگری ایران واقفند ؟ واقعیت نشان می دهد که چنین اوضاعی وجود ندارد . هنوز کاری بس طولانی در میان کارگران و دهقانان توسط عناصر پینرو پرولتری لازم است تا توده ها با این تجارب تاریخی را با پوست و گوشت خود لمس کنند و آن را به نیروی مادی برای تغییر وضع خود تبدیل نمایند . کمونیستها نباید بهیچوجه آنچه را که برای خودشان حل شده است ، برای طبقه کارگر و توده ها در کل حل شده تلقی نمایند . لنین می گوید :

" اتفاقا مطلب درست بر سر آن است که تصور نشود آنچه برای ماکهنه شده است ، برای طبقه ، برای توده ها هم کهنه گردیده ؛ " "چپ روی" بیاماری کودکان در کمونیسم در اوضاع کمونی میهن ما مبارزه برای بالابردن دستمزد ها ، مبارزه برای بهتر کردن شرایط کار ، مبارزه برای تامین کار دائمی ، مبارزه برای ایجاد سند پیکاهای کارگری در دستور کار روزمره کارگران قرار دارد و برای

بقیه همدهش کارگران به پیش به دلیل پیش گرفته شدن سیاست دوگانه رفهم و سرکوب از جانب رژیم ، دامنه اعتصابات کارگری کاهش می یابد و مبارزات کارگران یک دوران رکود نسبی را می گذرانند ولی در همین دوره نیز نارضایتی عمیق ، در میان صفوف زحمتکشان رشد می کند و شرایط طاق فرسای فزواستما و همچنین شکست "انقلاب سفید" زمینه را برای دوره بعد مبارزه آماده می کند . طبقه کارگر تبلیغات پوچ و عوامفریبانه رژیم را با گوشت و پوست خود در زندگی روز مره احساس می کند . در اسفند ماه ۱۳۴۸ با جنبش عظیم و توده ای مردم تهران علیه گران شدن بلیط اتوبوسهای شرکت واحد ، موج جدیدی از اعتصابات و مبارزات طبقه کارگر قهرمان ایران آغاز می شود . این بار نیز اعتصابات با اعتصاب "کم کاری" ۱۳ هزار کارگر نفت جنوب شروع می گردد . و در سال ۴۹ و ۵۰ به سایر نقاط کارگری توسعه پیدا می کند :

اعتصاب کارگران اتوبوسرانی ، کارگران نساجی یزد و اصفهان ، کارگران گمرک جلفا ، کارخانجات مقدم و فخر ایران ، آریا و شاهین ، رفندگان اهواز ، اعتصاب و مارش اعتراضی کارگران کارخانه قزقه زیبا ، کارگران نورد اهواز باراندازان خرمشهر و بالاخره اعتصاب و تظاهرات اعتراضی کارخانه "جهان چیت" که از طرف مامورین شهرستانی و زائد امری به سلسل بسته شد و به شهادت دهها نفر و زخمی شدن تعداد زیادی از کارگران منجر گردید ، نمونه هایی از مبارزات این دو سال اند . در سال ۵۱ نیز موج نوین جنبش اعتصابی کارگران تداوم خود را حفظ نمود :

- اعتصاب دوباره رانندگان و کمک رانندگان شرکت اتوبوس رانی به دلیل مخالفت با طرح جدید "تعیین مشاغل" که در آن کارگران با شرکت یکپارچه خود نمایندگی فاقد سند یکای زر دولتی و شهردار ارتهران را با دستچاچی مجبور به مصاحبه مطبوعاتی و "غیر قانونی" اعلام نمودن اعتصاب نمودند .

- اعتصاب تاکسیرانان اصفهان . - اعتصاب چند هزار نفره کارگران کارخانه نوب آهن اصفهان که بمنظور همبستگی با همکاران اخراجی خود انجام گرفت .

- اعتصاب همبستگی کارگران نفت مسجد سلیمان که بمنظور اعتراض به دستگیری نماینده خود از طرف ساو عملی گشت ، نمونه های برجسته ای دامنه تحریک جدید جنبش اعتصابی کارگرانند . مبارزات کارگران ایران بعد از سال ۴۸ به این نمونه ها خلاصه نمی شوند . هزاران اعتراض فردی و دسته جمعی ، اعتصابات "کم کاری" ، اعتصابات کوتاه و محدود در کارگاههای کوچک ، اخطای های مکرر به مسئولین و مذاکرات ، مراجعه به مقامات ، نوشتن نامه به روزنامه ها و وزارت کار ، کوشش در انتخاب نماینده واقعی ، مذاکره با کارفرمایان برای بدست آوردن امتیازات کوچک که بسیاری اوقات رژیم ضد کارگری مانع آشکار شدن این مبارزات می گردد ، همه و همه همرا اعتصابات و تظاهرات بزرگ دامنه حرکت خود بخودی نیه متشکل و در عین حال قدرتمند طبقه کارگر ایران را در سالهای اخیر نشان می دهد .

ویژگیهای مهم این جنبش در چهار سال اخیر که امروزه یکی از خصوصیات مهم این مبارزات در این است که اعتصابات وسیع یا اعتراضات کوچک و محدود کارگران در مرحله ای گونی بطور عمده جهت حفظ یا بدست آوردن حقوق ابتدائی ، گرفته شده از آنان از قبیل داشتن امکان کار ، حداقل دستمزد تعیین شده در قوانین یا در قرارداد اولیه و نامین ابتدائی ترین شرایط انسانی کار در کارخانه ها (بهداشت ، لباس کار ، وسائیل نظافت ، تحصیل فرزندان ، وسائیل ایمنی محل کار ، سالن غذا خوری ، بهبود وضع غذا ، سرویس ماشین ، مسکن ، ...) انجام گرفته است . در برخی از اعتصابات مساله ، همبستگی کارگران با رفقای اخراجی کارخانه ای محل کار خود (اعتصاب کارگران نوب آهن) یا کارگران اخراجی و تحت فشار کارخانه های نزدیک (اعتصاب کارگران نفت و جهان چیت) مشاهده می شود که هسته های رشد یابنده ای مبارزات سیاسی آینده ای طبقه ای کارگر را در خود دارد .

- در زمینه شکل هنوز کوشش اساسی کارگران در اشکاف از امکانات سند یکائی دولتی و امکان انتخاب نماینده واقعی خود در این سند نگاه محدود می شود . - اشکال مبارزه از حد نامه نویسی و مذاکره با مسئولین کارخانه و دولت (بصورت فردی و دسته جمعی) تا حد

زنده باد پیروزی جنگ توده های در کامبوج

بقیه: بخل را متحد کنیم...

هنگام تجزیه و تحلیل هر مسأله اجتماعی، آن مسأله بدو در چارچوب تاریخی معینی مطرح گردد و سپس چنانچه سخن بر سر یک کشور (مثلا بر سر برنامه ملی برای یک کشور) باشد، خصوصیات مشخصی که در حد و...

پس از رشد سرمایه داری به عالیترین مرحله خود یعنی امپریالیسم و پیروزی انقلاب اکبر جهان وارد مرحله کامل نوینی شد. از آن به بعد انقلابات بورژوازی نوع کهن - که جامعه را به سرمایه داری و دیکتاتوری بورژوازی می کشاند - بعلت مخالفت و نیروی متخاصم - پرولتاریا و...

بر واقعیات جامعه می مبتنی است و نه مرحله تاریخی را در نظر می گیرد. جمع بندی نوینی از صورت بندی جهان ایران، در صورتی معتبر است که با موضوع صحیح و با حرکت از نقطه نظر تاریخی در پرتیک انقلاب ایران طی تحقیق و بررسی همه جانبه ای بدست آید. بنظر ما این وظیفه را تنها پرولتاریا و حزب سیاسی آن می تواند انجام دهد.

یافتاری سازمان ما در راهنا قرار دادن مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون دارای جنبه های علمی مهمی در اوضاع کنونی است:

اولین جنبه علمی مسأله ایجاد حزب کمونیست است. حزبی واقعا انقلابی که بتواند پرولتاریا و خلقهای ایران را علیه دشمنان بطور نسبی قوی به پیروزی رهبری نماید. چنین حزبی را تنها و تنها زیر پرچم مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون می توان بوجود آورد.

دومین جنبه علمی مسأله ای در پیش گرفتن سمت روستا و تدارک برای جنگ توده ای است. امپریالیسم و طبقات ارتجاعی حاکم بر روی پرولتاریا و خلقهای ما سالهاست شمیر کشیده اند - قهر ارتجاعی بگرمی برند و شهرها را به دزهای مستحکم خود برای سرکوب انقلاب میلساخته اند. پرولتاریا با توجه به تجارب تاریخی باید از...

همان آغاز مسأله ای پیوند با دهقانان و جنبش ده قانی سلحانه را در پیش گیرد. رفیق مائوتسه دون این نقطه نظر مارکسیستی را به قرار زیر جمع بندی کرده است: "از آنجا که امپریالیسم مقتدر و متحد بین مرتجع او در چین مدت مدیدی است که شهرهای کلیدی کشور را به اشغال خود در آورده اند. اگر نیروهای انقلابی نمی خواهند با امپریالیسم و نوکرانش سازش کنند، بلکه مصمم به مبارزه خود ادامه دهند و اگر آنها قصد دارند نیروهای خود را ذخیره و آید بده کنند و تا موقعیکه بقدر کافی نیرومند نشده اند، از نبرد تعیین کننده با چنین دشمن قوی احتراز جویند، باید مناطق روستایی عقب مانده را به مناطق پایگاهی مترقی و مستحکم، به دزها نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مدلل سازند تا با آنها بدان ها علیه دشمن درنده که با تکیه به شهرها به مناطق روستایی حمله می کند، مبارزه نماید و از این طریق در جریان پیکار طولانی بتدریج به پیروزی نهایی انقلاب دست یابند." (انقلاب چین و حزب کمونیست چین - مائوتسه دون)

این نقطه نظر در مورد کشور ما صادق است. سومین جنبه علمی، مسأله مبارزه برای ایجاد وسیعتر جنبه های متحد علیه امپریالیسم و رژیم شاه است. اعلان اینکه ایران "سرمایه داری شده" و نفی وجود بورژوازی ملی عملا به منفرد شدن جنبه متحد خلق منجر خواهد شد و انقلاب پیروزی نیابد.

این خط مشی و سه جنبه ای عملی آن تسلیم طلبانه بوده و از اوضاع و مرحله ای انقلاب ایران در متن تاریخی آن ناشی میشود. نظراتی که خیانت لائسانی را بحساب "قبول" این خط مشی سیاسی نگذارند فاقد هرگونه پایه منطقی و علمی هستند.

و اما در باره شیوه برخورد به امر وادارگی: خائنین و مرتدان نمونه هایی منفی در امر مبارزه خلق اند برخورد به اینان می تواند گوناگون باشد. انقلابیون صفت

نظراتی که خیانت لائسانی را بحساب "قبول" این خط مشی سیاسی نگذارند فاقد هرگونه پایه منطقی و علمی هستند. و اما در باره شیوه برخورد به امر وادارگی: خائنین و مرتدان نمونه هایی منفی در امر مبارزه خلق اند برخورد به اینان می تواند گوناگون باشد. انقلابیون صفت

ستاره سرخ و خوانندگان

مجله ای که انتشار خود را آغاز کرده باید بخوبی و با جدیت تمام ادامه یابد. این مسئولیت هم بر عهده ای کارکنان مجله و هم بر عهده ای خوانندگان است. این نکته حائز اهمیت فراوان است که خوانندگان نظریات خود را ابراز کنند، نامه ها و مقالات کزناهی بنویسند حاکی از اینکه چه چیز آنها را خواندنی است و چه چیز مورد پسند آنها نیست. این یگانگی تضمین موفقیت مجله است. (مائوتسه دون)

به دنبال انتقادات سازنده ای که در باره شیوه نگارش "ستاره سرخ" به ما شد، اخیرا خوانندگان ما می نویسند که در این مورد ستاره سرخ "بهبتر" شده: "در ستاره سرخ" های اخیر موضوع مهم و خوبی چشم می خورد... ساده نویسی، همراه با فاکت ها و مثال های مشخص در مقاله "غارت بزرگ" (ستاره سرخ ۲۱)، یا مقاله "شاه و سوسیال - امپریالیسم" و مقاله "مبارزه طبقاتی" (ستاره سرخ ۲۲) دیده می شود.

بنظر من نوشتن مقالات در این سطح بیشتر می تواند درک توده ها را از مسایل بالا برد و آنها را به مطالب علاقتند سازد، چه مقالاتی در سطح تئوری بالا و برخی فقط مورد استفاده محدود قرار خواهد گرفت و برای اکثر توده ها قابل درک نیست.

پیشنهاد می کنم در آینده نیز سبک ساده نویسی همراه با مثال های مشخص و فاکت های تاریخی را در صورت امکان مورد توجه قرار دهید. نظری دیگری می گوید: "بطور کلی این نکته حائز اهمیت است که مسأله ساده نویسی در ستاره سرخ بسیار پیشرفت کرده و این موجب گردیده که توده های بیشتری مقالات آن را مطالعه کنند..."

نظرات بالا را که بعنوان نمونه آورده ایم نشان آن است که تا اندازی از انتقادات تاثیر خود را در کار ما گذاشته است، اما تا اندازه ای، زیرا ما به کمبود بزرگ خود در این مورد واقفیم و در این زمینه هنوز یک راه پیمای بسیار طولانی را در پیش داریم - اعتقاد ما بر این است که این راه را باید با خوانندگان خود طی کنیم - چه کمبود های ستاره سرخ را آنهم در چنین زمینه ها، تنها با همکاری و تشریک مساعی کارکنان ستاره سرخ و خوانندگان آن می توان رفع نمود.

در این مورد پیشنهاد مشخصی داریم تا بتوانیم "ستاره سرخ" را زنده تر کنیم، ساده تر بنویسیم و دانشمندی نفوذ آن را هر بیشتر توسعه بخشیم. پیشنهاد ما از این فکر حرکت می کند که خوانندگان خود را بیشتر درگیر کار ستاره سرخ نمائیم.

اول چند سؤال مطرح می کنیم. سؤالات مستقیما مربوطند به وظیفه ای اساسی ستاره سرخ یعنی تربیت ایدئولوژیک سیاسی روشنفکران در راه خدمت به کارگران و دهقانان. بنظر شما چه محتوی و کدام موضوع در خدمت انجام این وظیفه اساسی بوده است؟

الف - مقالاتی که وضع زحمتکشان ما را نشان داده اند؟ مقالاتی که نقش کارگران و دهقانان را در انقلاب و جامعه ای ما روشن ساخته اند؟ مقالاتی که جهان بینی خدمت به خلق و مشی توده ای را توضیح داده اند؟ مقالاتی که روحیه ی نهرا رسیدن از سختی ها و مرگ را تبلیغ نموده اند؟ مقالاتی که اهمیت تشکیک و کارمشنک را نشان داده اند؟

ب - مقالاتی که سیاستهای عمومی رژیم را مورد انتقاد و طرد قرار داده اند؟ مقالاتی که سیاستهای تجاوزکارانه رژیم را در منطقه خلیج فارس افشاء کرده اند؟ مقالاتی که سیاستهای تفرقه افکنی رژیم را افشاء نموده اند؟

بقیه: برنامه پنجم شمرده و ایران را کعبه آزادی خود ساخته اند. "تأکید نسبت به جلب سرمایه های خارجی" سایه افکن برنامه پنجم است. در هر نطق سخنگوییان رژیم تکیه ای بر جلب سرمایه های خارجی وجود دارد. حتی مطابق با آمار رژیم ۸ میلیارد دلار یعنی بیش از ۲۵ درصد بودجه تخمینی برنامه پنجم توسط سرمایه های خارجی تامین می شود که می بایست سرمایه گذار بیهای بانکهای خارجی و مختلط نیز چه بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم (از طریق وام) به این افزوده شود. هدف سرمایه گذارهای خارجی با استفاده از نیروی ارزان کار، رسیدن به سودهای هنگفت در کمترین مدت می باشد. توسعه صنایع مونتاژ از جانب امپریالیستها و افزایش سرمایه های بانکهای خارجی در ایران در طول برنامه پنجم قدمی در بیشتر وابسته کردن اقتصاد ایران بوده و سرمایه گذارهای معدنی، سیاست غارت و چپاول ذخائر غنی زیر زمینی ایران را دنبال می کند.

جلب سرمایه های خارجی، و از این طریق بیشتر سهم کردن امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم در چپاول ثروت ملی و استثمار شدن تر زحمتکشان و تقویت طبقات حاکم همراه با تشدید استثمار کارگران و دهقانان و فشار بر سایر اقشار و طبقات خلق، هدف اصلی رژیم از اجراء برنامه پنجم است. اثرات این برنامه در زندگی زحمتکشان فقر و ز افزون آنان را سبب کرده و مقاومت و مبارزه ی بیشتر آنان را به دنبال دارد و این بار نیز تلاش نموده ایم رژیم نتیجه ی عکس انتظار او را در فریب مردم به بار خواهد آورد.

به انتخاب آن شیوه ای می برد از آنکه به افزایش دسترس ارتجاع و امروحدت خلق کمک کند. ارتجاع توداتی می چیند تا در صفوف زحمتکشان خلق تفرقه و سردرگمی بوجود آورد، امر وحدت و مبارزه ی یکپارچه را به تعویق انداخته و از پیشبرد امر مبارزاتی خلق جلو گیرد. ارتجاع توداتی می کند تا بر روی دستاوردهای خلق خط بطلان کشیده، جنایات و خیانتهای خود را موجه جلوه دهد. ارتجاع توداتی می کند تا در صفوف سازمانها که فری از آنها خیانت کرده اختلال بوجود آورده و آن ها را به تلاشی بکشاند.

با درک از این توطئه های ارتجاع است که می توان به مقابله با او برخاست. انتخاب شیوه چگونه با پدید آمدن وادارگی و وادارگان برخورد کردن در رابطه با این است که آیا می خواهیم با تکیه بر وحدت خلق لبه تیز حمله خود را متوجه ارتجاع بکنیم و یا با فرا رسیدن فرصت "مناسب" سازمانهای خلقی دیگر را مورد حمله قرار دهیم.

انقلابیون واقعی شیوه اول را بر میگزینند و در این خط کشی بین خلق و ضد خلق و مبارزه متحد و مشترک علیه توطئه های رژیم است که شرایط ما مساعد را به مساعد تبدیل کرده و با ایجاد محیط گرم و صمیمانه به فراگیری از یکدیگر می پردازند. با توجه به امر وحدت خلق در مبارزه علیه رژیم است که انقلابیون می بایست سعی کامل در پشتیبانی از سازمانهایی که فری از آنها خیانت کرده، نمایند و با کمک و همکاری انقلابی به توبه خود از هدف رژیم در اخلال و تفرقه در صفوف آن سازمانها جلوگیری کنند. در چنین محیط گرم مبارزاتی است که می توان از خیانت معلم منفی آموخت. درک خود را از امر مبارزه و خدمت به خلق، از فداکاری و جانبازی در راه منافع خلق و از منافع شخصی بالا برد، و از این طریق امر بد را به امر خوب تبدیل کرد.

درک جنبش میهن ما انقلابیون و توده ها برخوردار است به امر وادارگی نداشتند. این نشان دهنده ی رشد جنبش انقلابی و آگاهی توده ها است. سازمان ما با کوشش خود و با کمک خلق و نیروهای انقلابی این امر را به امر خوب تبدیل کرده است. پرچم سازمان ما پرچمی است زنده و مسالما با اعتقاد کامل به آن در امر خدمت به پرولتاریا و انقلاب خلقهای ایران به پیش می رویم. وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که شرایط را فراهم آورند که جنبه متحد وسیعی علیه رژیم شاه، علیه امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم بوجود آید. مایه توبه خود در این امر کوشا هستیم.

به انتخاب آن شیوه ای می برد از آنکه به افزایش دسترس ارتجاع و امروحدت خلق کمک کند. ارتجاع توداتی می چیند تا در صفوف زحمتکشان خلق تفرقه و سردرگمی بوجود آورد، امر وحدت و مبارزه ی یکپارچه را به تعویق انداخته و از پیشبرد امر مبارزاتی خلق جلو گیرد. ارتجاع توداتی می کند تا بر روی دستاوردهای خلق خط بطلان کشیده، جنایات و خیانتهای خود را موجه جلوه دهد. ارتجاع توداتی می کند تا در صفوف سازمانها که فری از آنها خیانت کرده اختلال بوجود آورده و آن ها را به تلاشی بکشاند.

با درک از این توطئه های ارتجاع است که می توان به مقابله با او برخاست. انتخاب شیوه چگونه با پدید آمدن وادارگی و وادارگان برخورد کردن در رابطه با این است که آیا می خواهیم با تکیه بر وحدت خلق لبه تیز حمله خود را متوجه ارتجاع بکنیم و یا با فرا رسیدن فرصت "مناسب" سازمانهای خلقی دیگر را مورد حمله قرار دهیم.

انقلابیون واقعی شیوه اول را بر میگزینند و در این خط کشی بین خلق و ضد خلق و مبارزه متحد و مشترک علیه توطئه های رژیم است که شرایط ما مساعد را به مساعد تبدیل کرده و با ایجاد محیط گرم و صمیمانه به فراگیری از یکدیگر می پردازند. با توجه به امر وحدت خلق در مبارزه علیه رژیم است که انقلابیون می بایست سعی کامل در پشتیبانی از سازمانهایی که فری از آنها خیانت کرده، نمایند و با کمک و همکاری انقلابی به توبه خود از هدف رژیم در اخلال و تفرقه در صفوف آن سازمانها جلوگیری کنند. در چنین محیط گرم مبارزاتی است که می توان از خیانت معلم منفی آموخت. درک خود را از امر مبارزه و خدمت به خلق، از فداکاری و جانبازی در راه منافع خلق و از منافع شخصی بالا برد، و از این طریق امر بد را به امر خوب تبدیل کرد.

درک جنبش میهن ما انقلابیون و توده ها برخوردار است به امر وادارگی نداشتند. این نشان دهنده ی رشد جنبش انقلابی و آگاهی توده ها است. سازمان ما با کوشش خود و با کمک خلق و نیروهای انقلابی این امر را به امر خوب تبدیل کرده است. پرچم سازمان ما پرچمی است زنده و مسالما با اعتقاد کامل به آن در امر خدمت به پرولتاریا و انقلاب خلقهای ایران به پیش می رویم. وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که شرایط را فراهم آورند که جنبه متحد وسیعی علیه رژیم شاه، علیه امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم بوجود آید. مایه توبه خود در این امر کوشا هستیم.

به انتخاب آن شیوه ای می برد از آنکه به افزایش دسترس ارتجاع و امروحدت خلق کمک کند. ارتجاع توداتی می چیند تا در صفوف زحمتکشان خلق تفرقه و سردرگمی بوجود آورد، امر وحدت و مبارزه ی یکپارچه را به تعویق انداخته و از پیشبرد امر مبارزاتی خلق جلو گیرد. ارتجاع توداتی می کند تا بر روی دستاوردهای خلق خط بطلان کشیده، جنایات و خیانتهای خود را موجه جلوه دهد. ارتجاع توداتی می کند تا در صفوف سازمانها که فری از آنها خیانت کرده اختلال بوجود آورده و آن ها را به تلاشی بکشاند.

با درک از این توطئه های ارتجاع است که می توان به مقابله با او برخاست. انتخاب شیوه چگونه با پدید آمدن وادارگی و وادارگان برخورد کردن در رابطه با این است که آیا می خواهیم با تکیه بر وحدت خلق لبه تیز حمله خود را متوجه ارتجاع بکنیم و یا با فرا رسیدن فرصت "مناسب" سازمانهای خلقی دیگر را مورد حمله قرار دهیم.

انقلابیون واقعی شیوه اول را بر میگزینند و در این خط کشی بین خلق و ضد خلق و مبارزه متحد و مشترک علیه توطئه های رژیم است که شرایط ما مساعد را به مساعد تبدیل کرده و با ایجاد محیط گرم و صمیمانه به فراگیری از یکدیگر می پردازند. با توجه به امر وحدت خلق در مبارزه علیه رژیم است که انقلابیون می بایست سعی کامل در پشتیبانی از سازمانهایی که فری از آنها خیانت کرده، نمایند و با کمک و همکاری انقلابی به توبه خود از هدف رژیم در اخلال و تفرقه در صفوف آن سازمانها جلوگیری کنند. در چنین محیط گرم مبارزاتی است که می توان از خیانت معلم منفی آموخت. درک خود را از امر مبارزه و خدمت به خلق، از فداکاری و جانبازی در راه منافع خلق و از منافع شخصی بالا برد، و از این طریق امر بد را به امر خوب تبدیل کرد.

درک جنبش میهن ما انقلابیون و توده ها برخوردار است به امر وادارگی نداشتند. این نشان دهنده ی رشد جنبش انقلابی و آگاهی توده ها است. سازمان ما با کوشش خود و با کمک خلق و نیروهای انقلابی این امر را به امر خوب تبدیل کرده است. پرچم سازمان ما پرچمی است زنده و مسالما با اعتقاد کامل به آن در امر خدمت به پرولتاریا و انقلاب خلقهای ایران به پیش می رویم. وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که شرایط را فراهم آورند که جنبه متحد وسیعی علیه رژیم شاه، علیه امپریالیسم و سوسیال - امپریالیسم بوجود آید. مایه توبه خود در این امر کوشا هستیم.

به انتخاب آن شیوه ای می برد از آنکه به افزایش دسترس ارتجاع و امروحدت خلق کمک کند. ارتجاع توداتی می چیند تا در صفوف زحمتکشان خلق تفرقه و سردرگمی بوجود آورد، امر وحدت و مبارزه ی یکپارچه را به تعویق انداخته و از پیشبرد امر مبارزاتی خلق جلو گیرد. ارتجاع توداتی می کند تا بر روی دستاوردهای خلق خط بطلان کشیده، جنایات و خیانتهای خود را موجه جلوه دهد. ارتجاع توداتی می کند تا در صفوف سازمانها که فری از آنها خیانت کرده اختلال بوجود آورده و آن ها را به تلاشی بکشاند.

با درک از این توطئه های ارتجاع است که می توان به مقابله با او برخاست. انتخاب شیوه چگونه با پدید آمدن وادارگی و وادارگان برخورد کردن در رابطه با این است که آیا می خواهیم با تکیه بر وحدت خلق لبه تیز حمله خود را متوجه ارتجاع بکنیم و یا با فرا رسیدن فرصت "مناسب" سازمانهای خلقی دیگر را مورد حمله قرار دهیم.

مقالات در باره اوضاع جنبش پرولتری و انقلابی در سراسر جهان و اوضاع جهان چقدر موثر بوده اند؟ آیا ما توانسته ایم ماهیت امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم در حال مرگ را نشان دهیم؟ آیا توانسته ایم رشد و پنجه افکنی روسیه شوروی را بعنوان یک ابزار قدرت امپریالیستی بنمایانیم؟ علاوه بر این سؤالات، در باره شعرها، کاریکاتورها و هر نظریه دیگری که دارید بنویسید. در انتظار پاسخ شما هستیم.

* - پیشنهادی است که می گوید خوب است مانند مقالات "واقعیت روستای ایران" یک سری مقاله دربار واقعیت زندگی و مبارزه کارگران بنویسیم. ما از این استقبال می کنیم ولی همانطور که می دانید این وظیفه به شرطی عملی است که خوانندگان ما مشاهدات و تجارب خود را در این باره بنویسند. همانطوری که در باره روستا، شای ایران نوشتند.

علاوه بر این بنظر ما از نمونه های منفی و از طریق مقابله بخوبی می شود آموخت. بهمین دلیل از خوانندگان خود تقاضا داریم از وضع و احوال (گذشته و حال) ستمگران، مالکین بزرگ و بوروکرات های نظامی و اداری بزرگ و قلدر، بورژوازی بزرگ، عناصر شریر و ضد خلق بر ایمان بنویسید. مثلا خوب است بد انیم ثروت خود را از کجا آورده اند؟ مالک زمین است؟ سرمایه دار خصوصی در صنعت است؟ سرمایه مالی دارد؟ چه ارتباط و خویشاوندی با دربار و چند خانواده بزرگ حاکم دارد؟ از لحاظ سیاسی به کدام امپریالیسم تمایل می کند؟

این کار در خدمت امر تحقیق و بررسی "ستاره سرخ" هم هست که بدون آن و شناخت از دشمن نمی توانست وظیفه خود را بخوبی جلو برد.

* - همه ای از خوانندگان طی نامه ای به ما می نویسند: امید است در امر پیشبرد جنبش موفق و پیروز باشید... ما انتقادی بر شما وارد می بینیم که لازم دانستیم آن را برای شما بنویسیم. مدتی بود که "ستاره سرخ" را دریافت نکرده ایم... آیا علتش را سهل انگاری بگاریم یا سهل تنبلی - برای ما قبول هر کدام از این دو، برای سازمان چون سازمان انقلابی تقریبا محال است... امید است در رفع این کمبود کار شود.

با درود های فراوان

دوستان دیگری هم در این زمینه از ما انتقاد کرده اند. ما ضمن تشکر از آنها، خواهیم کوشید وظایفمان را بهتر انجام دهیم. از فرصت استفاده می کنیم و برای بهتر کردن وضع پخش نشریات خود چند نکته را با خوانندگان در میان می گذاریم و امید کمک و یاری از آنها داریم.

اولین کمک همان انتقاد بی پروا کردن و گوشزد نمودن کمبود های ما است مانند نامه بالا. دومین کمک اطلاع دادن بوقوع از تغییر آدرس خود و دوستان است.

سومین کمک نظر دادن در مورد مسأله زیر است: در نظر داریم در شهرهایی که کتاب فروشی های چینی موجود است، نشریات خود را در آن محل ها بگزاریم - آیا این امر خوبی است، جوانب مثبت و منفی آن از نظر شما کدام یک از کتابفروشی های شهر شما (اگر هست) برای این کار مساعد است و ایراد آن به آن دسترس دارند؟

تقاضای

تقاضای

تقاضای

تقاضای

تقاضای

تقاضای

تقاضای

توده شماره ۲۳ بزودی منتشر میشود رفیق سیروس نهبانندی عضو "سازمان آزاد بیخس خلقهای ایران" تحت عنوان "تجاری چند از مبارزه در اسارت" مراحل مختلف مبارزه را، از لحظه دستگیری تا فرار و برخورد های متفاوت به آنها را با توجه به تجارب مشخص خود توضیح میدهد.

توده و ستاره سرخ Mme PAOLA DI CORI C.P. 493 S.SILVESTRO ROMA ITALY

لنین چپاروی بیماری کودکان در کمونیسم منتشر شد از ما بخواهید

پیروز باد جنگ توده ای در عمان و خلیج

☆ اخبار ☆

موج جدیدی از مبارزات، دانشگاههای ایران را فرا گرفته است. مبارزات اخیر دانشگاهها که همزمان با برگزاری مضحک دهه "انقلاب سفید" شروع شده چنان تندآب دارد. دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور به پشتیبانی از مبارزات به حق دانشگاههای ایران و اعتراض علیه جنایات اخیر رژیم به برگزاری تظاهرات مختلفی دست زده اند.

دانشجویان دانشگاه تهران به اعتصاب خود در پشتیبانی از دانشجویان زندانی و کشته شده ادامه داده و دست به تظاهرات متعددی زده اند. پلیس به دانشگاه حمله ور شده و با استفاده از گاز اشک آور سعی در بهم زدن تظاهرات می کند. در این جریان عده ای از دانشجویان به علت حمله وحشیانه پلیس زخمی شده اند. کامیون های پلیس دانشگاه تهران را در محاصره گرفته و ورود و خروج دانشجویان به صحن دانشگاه ممنوع شده است. دانشجویان مدرسه عالی پارس بخاطر اعتراض به خرید

سه میلیارد دلار اسلحه از آمریکا و جنایات اخیر رژیم دست به اعتصاب می زنند. پلیس به آنجا حمله ور شده و عده های زیادی را دستگیر و بازداشت کرده است. بعلاوه شدت موج اعتراضی دانشجویان شایع است که دولت قصد دارد مدرسه عالی پارس را منحل کند.

دانشجویان دانشگاه اصفهان با تظاهرات متعدد و تفرق خود را نسبت به رژیم شاه ابراز می دارند. در اثر حمله وحشیانه پلیس به دانشگاه اصفهان دو دانشجویان دختر کشته شده اند.

دانشگاه آریامهر نیز به پشتیبانی از مبارزات سایر دانشگاههای ایران در حال اعتصاب به سر برده و دانشجویان در طی اعلامیه ای همدردی خود را با سایر دانشجویان اعلام داشته اند.

دانشجویان دانشگاههای مشهد و جندی شاپور نیز به اقدامات اعتراضی متعددی دست زده اند.

دانشگاه تبریز هم چنان تعطیل است. موج مبارزاتی وسیع دانشجویان آنجا تا بدان اندازه رسیده است که گفته می شود در تاریخ مبارزات بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دانشگاه تبریز بی سابقه می باشد.

مسعود مولی زاده، حسین که فر، بیژن رفیعی، کامران رفیعی، محمد امین خمیری، محمد کریم خمیری، در فروردین ماه تشکیل می شود.

اخیراً مدافعات مبارزین شهید سعید محسن و مهدی رضایی به چاپ رسیده است. دفاعیات این دو مبارز حاکی از روحیه پر شور آنان در خدمت به خلق و ایمان به پیروزی و حقانیت مبارزه است. شجاعت و ایمان راسخ مبارزاتی این دو شهید درسی و سرمشق آموزنده برای کلبه انقلابیون است.

جنگی است میان حق و نا حق که در یک جهت آن دشمنان خلق مجهز به آخرین تکنیک و سلاح و در جهت دیگر آن اراده آهنین توده زحمتکش و دست پیسته کارگران و دهقانان قرار گرفته است که هر چه بیشتر در انهدام ما می کوشید بیشتر در باتلاقی که خود بدست خود و برای خویش فراهم آورده اند فرو می روید. (از دفاعیه شهید مبارز سعید محسن)

جنابان همه متقدان صعبی را متهم به ضد کمونیسم می کردند" (باختر امروز) - آیا قبول چین توده ای بعنوان پایگاه انقلاب جهانی و بد یرفتن اندیشه مائوتسه درون "تبله سازی" و "قلب گزائی" است. پس بنابراین بنظر آنها تمام احزاب، سازمانها و گروههای مارکسیست - لنینیستی در سطح جهان "تبله گرا هستند و آن نیز بدان علت است که با چین توده ای و اندیشه مائوتسه درون عداوت می ورزند؟ آیا قبول اندیشه مائوتسه درون و یا تشخیص راه انقلاب دمکراتیک نوین "کیه بردار" است. اگر چنین است پس چرا آنان بوضوح و صراحت نمی گویند که انقلاب خلقهای هندو چین، تایلند، فیلیپین و... کیه برداری است. اگر نویسندگان "باختر امروز" و "ایران آزاد" می خواهند با خط سیاه تسلیم طلبانه مبارزه نمایند چرا به کج می روند؟ کافی است به سابقه مئی سازشکارانه رهبری حزب توده ایران رجوع کنند. این آنان هستند که می خواهند زیر پرچم سلطنت پهلوی جامعه ایران را به راه "غیر سرمایه - داری" بکشانند! این خط تسلیم طلبانه حزب توده است که می خواهد ایران را در رقابت بین دو استبداد قدرت به زیر نفوذ سوسیال - امپریالیسم شوروی بکشد. چرا نویسندگان "باختر امروز" و "ایران آزاد" که ادعای مبارزه با مئی تسلیم طلبانه را دارند، به مئی حزب توده بر خورد نمی کنند و تسلیم طلبی لاشائی را بعلاوه مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه درون و تحلیل نیمه فئودالی جامعه ایران از طرف کمونیستها می دانند؟ البته در گذشته ما شاهد موضعگیری درست مبارزین جبهه ملی ایران در برابر مئی سازشکارانه رهبری حزب توده ایران بوده ایم - منتها بعضی تفسیرات دیده می شود که برای ما سؤال مطرح کرده اند. در برابر پرچم زرد تسلیم طلبانه حزب توده ایران سازش انقلابی پرچم سرخ انقلاب تهر آمیز توده ای را بر سر افراشته نگه داشته، می کوشد با کارگران و دهقانان و با جنبشهای توده ای پیوند یابد و حزب کمونیست این سکندار کبیر انقلاب ایران را همراه دیگر مارکسیست - لنینیست ها بوجود آورد. همچنین از طریق جنگ توده ای، جنگی که صحنه اصلی و عمده اش روستاهای پهنار ایران است و ارتش توده ای که نیروی عمده اش راهقانان میلیون میلیونی تشکیل می دهند، طی مبارزه ای طولانی رژیم سلطنتی پهلوی را وارزون ساخته، جمهوری دمکراتیک خلق را برقرار نماید. هدف نهایی سازمان ما انقلاب سوسیالیستی و جامعه کمونیستی است. آنچه که در اینجا باید مورد توجه جدی قرار گیرد این است که خط مئی سازمان ما و اصولا خط مئی جنبش کمونیستی میهن ما در متن معین تاریخی قرار دارد و انسکاسی از واقعیت دوران است. که معمولاً طی یک پروسه ارزیابی همه جانبه و کار جمعی بدست می آید. نمی توان بخاطر این که هنوز سازمان ما تبه و بررسی عمیق از جامعه کنونی (که واقعیتی است و ما باید همراه دیگر مارکسیست - لنینیست ها در رفع این کمبود بکوشیم) و یا اینکه رژیم بنا بر خواست اربابان امپریالیست آمریکائی خود دست به رفرمهای زده است، مرحله تاریخی را زیر علامت سؤال قرار داد. لنین در این مورد آموزش کبیری دارد. او می گوید:

"تئوری مارکسیستی بی چون و چرا خواستار است به بطور اساسی مورد حمله قرار می دهند. از یک سبسی مارکسیست - لنینیست ها از جامعه توده ای، پایگاه انقلاب جهانی و تجارب غنی انقلابات خلقهای جهان است. این که یک عنصر صادق و مبارز بر اساس تحلیلی علیه "نیمه فئودالیسم" مبارزه کرده که وجود نداشته" برای کسانی که معتقد به جامعه نیمه فئودال بوده اند و انقلاب در خود آن را ندانند پس از توقف به اشتباه خود راه حل خیانت را برگزینند، توجیهی نمی تواند باشد. (ایران آزاد) آنچه که تا امروز می گفت چیزی جز سرمایه داری وابسته نبود و نام سوسیالیسم بر آن نهاده بود. (باختر امروز) هسته مرکزی مکتب نویسندگان در مقاله در جملات بالا نهفته است. آنها جامعه ایران را در مرحله سرمایه داری می دانند و نه تنها نیمه فئودالی بودن ایران کنونی را در مکتب کتبله فئودالی بودن آنرا در گذشته نیز قبول ندارند. بنابراین موقعیت "مناس" تشخیص داده می شود تا از واردگی لاشائی برای رد ارزیابی مارکسیست - لنینیستها از جامعه ایران مبنی بر نیمه مستعمره - نیمه فئودال بودن آن سوء استفاده گردد. این مخالفت بدان معنا است که آنان، انقلاب ایران را در مرحله دمکراتیک تنها نمی بینند و از همین جا است که به نقش انقلابی دهقانان، انقلاب ارضی، به مبارزه مسلحانه دهقانان تحت رهبری حزب طبقه کارگر و به جلب بورژوازی ملی به صف انقلاب اعتقاد ندارند. چگونه است که آنها نظریات امروز لاشائی خائن را مبنی بر "سرمایه داری" شدن جامعه ایران زیر سؤال قرار نمی دهند و لبه تیز حمله خود را متوجه نظریات ارتجاعی امروز او نمی کنند! جنبه دیگر مخالفت نویسندگان مقالات در عداوت به همبستگی بین المللی پرولتری، حمله به چین توده ای و اندیشه مائوتسه درون است. و آن هم در زمانیکه روز بروز و بیشتر، انقلابیون ایران به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه درون مسلح می شوند، به اهمیت همبستگی بین المللی پرولتاریا و تجربه اندوزی از انقلابات ظفرسنگی کارگری و انقلابی بودن سیاست مارکسیستی چین توده ای در قبال جنبشهای انقلابی بی می برند. "این مبلغان قبله گاهها جندی از معجزات این یا آن قلب اعظم سخن می گفتند و حال که اوضاع جهانی و سیاسی قطبها عوض شده است به دست و پا افتاده اند" (ایران آزاد) "آن زمانیکه همه مبارزین راستین به اینگونه عناصر کبیر بردار عقب مانده هشتاد و نه دادند، این

خلق را متحد کنیم، دشمن را درهم شکنیم!

را جمع بندی کرده اشتباهات را برطرف کند تا قادر شود همگام خلق به پیش رود. اما مثل اینکه "باختر امروز" و "ایران آزاد" نمی خواهند واقعیت را در نظر بگیرند. نمی خواهند تجارب خود را بر اساس واقعیت جمع بندی نمایند. آنها بر عکس در موقعیت کنونی از ارتداد لاشائی سوء استفاده کرده و در ادعای حرفها و مواضع قبلی خود لجابت می ورزند، بهر وسیله ای و منجمله به خیانت لاشائی متوسل میشوند تا مارکسیست - لنینیست ها را خطئه نمایند. این با موضع خدمت به انقلاب در تضاد است. اصولاً بدان علت دست به چنین حمله ای زده اند که جرات و جسارت، انتقاد از خود را ندارند.

از سوی دیگر برخلاف ادعای خود شان در "باختر امروز" که "باید با صمیمیت و آگاهی سیاسی به مسائل برخورد کنیم" منافع گروه خود را برتر از مسائل انقلاب مردم فرار داده با برجسب ها و همجهت های بشمار به سازمان انقلابی و با تکیه به واردان لاشائی ادعای داشتن "درست ترین" و "علمی ترین" سیاستها را می نمایند. آنجا هم که به اصطلاح بحثی را جلو کشید هاند بر اثر موضعگیری و برخورد نادرست خود دچار اشتباه گردیده اند:

آنها علت خیانت لاشائی را در ترس او از جان خودش و ننگ شدن از منافع خصوصی اش نمی بینند، بلکه در این می بینند که او در گذشته "تحلیل" درستی از جامعه ایران نداشته است. باید گفت که نویسندگان این دو مقاله در حقیقت مناسبات تحلیل از جامعه و خیانت را نفهمیده اند و اگر هم فهمیده اند نخواسته اند بدان توجهی کنند. علت اساسی تسلیم و خیانت لاشائی در درجه اول مساله ای زنده ماندن و منافع شخصی اش بوده است نه "تحلیلی" که "قبول" داشته! چه در مبارزه ی خلقها هم مبارزین دمکرات، هم انقلابی و هم کمونیستها تا پای جان ایستادگی می کنند. آیا بنظر نویسندگان این مقالات آیت الله سعیدی، فاطمی، روزبه همگی دارای تحلیل مشترک از جامعه ایران بودند که در مبارزه به ضد امپریالیست و رژیم پهلوی تا پای جان ایستادند و شهید شدند؟

اگر منظور ایستادگی در مبارزه است که دیگر سالهاست تحلیل از جامعه مورد بحث نیست. اما همانطور که گفتیم آنچه که نویسندگان "باختر امروز" و "ایران آزاد"

در نشریه "باختر امروز" و "ایران آزاد" به ترتیب در شماره های ۳۴ و ۸۶ خود به واردگی و خیانت لاشائی برخورد می کنند. با اینکه محکوم کردن خیانت لاشائی و انتقاد و طرد او از طرف این دو نشریه یک نکته ارزنده ای است، لیکن مقالات در مجموع دارای برخوردی سازنده و خلاق نمی باشند. نویسندگان این مقالات ارتداد لاشائی را بهانه قرار داده و به مئی سازمان انقلابی و در مجموع به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه درون حمله می نمایند و کسانی را که مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه درون را راهنگام مبارزات خود قرار داده اند، در مرحله کنونی جامعه ایران طرفدار انقلاب دمکراتیک نوین یعنی انقلابی که امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری پرورگرات را برمی اندازد و شرانگترا برای انقلاب سوسیالیستی و ایجاد جامعه کمونیستی فراهم می آورد، هستند محکوم به "دگم" بودن می نمایند.

علت چنین برخوردی چیست؟ بنظر ما علت اساسی را باید در سیر تحولات اخیر و اوضاع کنونی جستجو کرد، اوضاعی که در میهن ما مرتب در حال رشد و پیشرفت بجلو به نفع پرولتاریا و خلقهای ستمدیده است:

در سالهای اخیر در اثر پافشاری مارکسیست - لنینیستهای میهن ما بر روی اصول، نه تنها قادر شده اند روزی نویسیم و اپورتونیسم حزب توده - ایران را انتقاد و طرد کنند، بلکه قادر گشته اند شرائطی را فراهم آورند که در رجا نیروهای چپ روشنفکران انقلابی به مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه درون روی آور گردند و راه به اصطلاح کوبا و مبارزه مسلحانه ی جدا از توده ها را انتقاد نمایند. هم اکنون در داخل زندان و در بیرون جنبه و جوش زیادی در میان مبارزین سالی های اخیر جهت جمع بندی تجارب خود و یافتن راهها صحیح مبارزه در خدمت کارگران و دهقانان توده های مردم در جریان است که بیشک نتیجه اش وحدت بر پایه اصولی بین مارکسیست - لنینیست ها و ایجاد حزب کمونیست، سکندار کبیر انقلاب ایران خواهد بود.

در سطح بین المللی، استواری چین توده ای تحت رهبری حزب کبیر کمونیست چین که در راس آن رفیق مائوتسه درون قرار دارد، در پیشبرد انقلاب سوسیالیستی و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا در چین و پشتیبانی از جنبشهای آزاد ییخشی و انقلابی پرولتاریا و خلقهای ستمدیده جهان و ایجاد وسیعترین جبهه متحد جهانی بخاطر منقرض ساختن دو ابر قدرت - امپریالیسم آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی، ناحق بودن ارزیابی ها و برخورد های قبلی "باختر امروز" و "ایران آزاد" را روشن تر می کند و در عمل ثابت می نماید که راه حزب کمونیست چین یا مارکسیسم انقلابی در تطابق است و به نفع پرولتاریا و خلقها میباشد.



استقرار جمهوری دمکراتیک خلق خواست مردم ماست